

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

ديباچه

كلييات طرح شهيد چمران (رضوان الله عليه) عبارت است از تحليل بروز و کاربردي هشت سال دفاع مقدس ؛ با هدف شناخت بيشتري و بهتر اسلام و انقلاب ؛ جهت تشخيص و طرايف اصلي و فرعي فعالان فرهنگي ، براي عمل به تكليف در قبال اسلام ، انقلاب و رهبري معظم انقلاب .

قبل از پرداختن به محتواي اين طرح ، لازم است مطلبي را يادآوري كنيم و آن اينكه بعد از صدور بيانيه ي گام دوم انقلاب توسط رهبري عزيز ، به نظر رسيد تمام يا بخش زيادي از آنچه ايشان در آن بيانيه مرقوم فرموده اند ، در مباني طرح شهيد چمران (رضوان الله عليه) آمده يا مي تواند بيابد و از آنجا به اين نتيجه رسيديم كه طرح مذکور ، ظرفيت بالايي دارد ؛ لذا اميدواريم با تبیین این طرح و عملیاتی کردن آن ، بتوانیم گامی هرچند کوچک در راستای تامین اهداف مقدس اسلام ، انقلاب و رهبري عزيزمان برداريم ؛ ان شاء الله .

جهت معرفي كلي طرح بايد گفت اگر ما قائل هستيم به اينكه در حال حاضر دچار جنگ هاي سياسي ، اقتصادي ، فرهنگي و ... هستيم ، بايد بتوانيم با تحليل درست و کاربردي هشت سال دفاع مقدس ، به اصول و راهكارهايي برسيم ؛ تا هم تكليف روز خودمان را پيدا كنيم و هم به ياري خدای متعال بنحو احسن بدان عمل كنيم .

در تحليلي كلي از هشت سال دفاع مقدس ، اگر آنرا بصورت خلاصه و فشرده بخواهيم ارائه بدهيم ، به چهار اصل مي رسيم كه مباني موفقيت رزمندگان ما بودند ؛ يكي از آنها ارتباط با خدای متعال بود ؛ ديگري ارتباط با اهلبيت (عليهم السلام) بوده ؛ يكي ديگر ، ارتباط با ولي فقيه و ديگري ارتباط با شهدای گرانقدر بوده است (رضوان الله عليهم اجمعين بعدد ما احاط به علمه) ؛ كه اگر بخواهيم در چهار كلمه اينها را خلاصه كنيم مي شوند " عبادت ، ولايت ، امامت و شهادت " .

لذا طرح شهيد چمران (رض) مبتني است بر اين چهار اصل ؛ منتها اين عبارات مي بايست بروز شوند تا براي ما و جامعه امروز قابل درك و عمل بشوند ؛ چراكه اينها كلمات و مفاهيمي كلي هستند كه با بيان صرف آنها ، بنظر مي آيد اين طرح هم به سرنوشت بسياري از طرح هاي اينچيني دچار شود .

بنابراين اگر بخواهيم مصاديق امروزي اين چهار اصل را بدست بياوريم ، بايد اين عبارات كلي را بروز کرده ، براي مخاطب (بويژه جوانان و نوجوانان) جذاب و شوق آفرين نمايم .

بعنوان مثال عبادتهايي كه صد سال پيش انجام مي شده ، قاعدتاً از جهاتي با عبادات اين دوره زمانه بايد متفاوت باشند ؛ چراكه با تغيير نسلها ، ذائقه ها و ابزارها تغيير مي كنند و اين تغييرات ما را ناچار مي كنند تا ما هم در ارائه روشها و مباحث ، از ادبيات جديدتري استفاده كنيم ؛ ضمن اينكه اصل كار ، يعني ارتباط با خدای متعال (آنهم بر پايه اصول اسلام و تشيع) بايد ثابت بوده و تنها در ارائه راهكارها و روشها ، يكسري خلاقيتها و بروز آوريها صورت بگيرد ؛ كه

البته بخش زیادی از این به روز کردن‌ها، می‌تواند شامل یادآوری دستورات تأییدشده دینی باشد؛ که به مرور زمان نسبت به آنها دچار غفلت یا کوتاهی شده‌ایم.

این مساله درباره اصول دیگر نیز مطرح است؛ که هر کدام را باید با این دیدگاه، مورد بازبینی قرار دهیم؛ تا بتوانیم با حداکثر ظرفیت، از داشته‌های مادی و معنوی خود بهره‌برداری کرده، خود و جامعه داخلی و خارجی را به فضل پروردگار متعال، به حداکثر کمال ممکن رساند؛ ان‌شاءالله.

بعنوان مثال یکی از ویژگی‌های زمان فعلی و نسل حاضر، تنبلی عمومی و نسبی مردم است؛ که خود محصول عوامل متعددی است. اما به‌رحال ما با یک چنین خصیصه‌ای مواجهیم و لازم و بلکه ضروری است در برنامه‌ریزی‌های مختلف، این ویژگیها لحاظ شوند؛ دیگر اینکه این نسل چندان اهل مطالعه کتاب نیستند (اگرچه اهل تدبّر هستند!)؛ ویژگی دیگر این نسل، اطلاعات عمومی وسیع و گسترده‌ای است که بواسطه استفاده از ابزارها و شبکه‌های اجتماعی امروزه بدست آمده است؛ ابزارهای رسانه‌ای زیاد و متنوعی هم که در اختیار دارد و بواسطه این بهره‌مندیها، داری ذائقه‌های مختلف و گاه متضاد می‌باشند؛ بنا بر این ویژگی‌ها اگر بخواهیم همان دستورات چند دهه قبل را برای این نسل صادر کنیم، قاعدتاً پذیرش چندان حاصل نخواهد شد.

مثلاً نسل حاضر حال و حوصله اینکه صبح زود از بستر گرم و نرم روز تعطیل خود برخیزد و در دعای ندبه شرکت کند را ندارد؛ چراکه معمولاً شبها تا دیروقت بیداریم؛ نماز شب هم که بعضاً نمی‌خوانیم؛ صبح هم هنر کنیم نماز صبح هایمان قضا نشود(!)؛ از چنین انسانی نمی‌توان انتظار داشت که مهدوی (عج) عمل کرده، از خواب نازش بگذرد و بیاید دعای ندبه؛ حتی اگر بعد از چنین مراسمی، صبحانه مفصلی هم داده شود!!

اخیراً شنیده شد در یکی از شهرستانها، طرحی تدوین شده بود که همه هیئات مذهبی آن شهرستان، در یک برنامه مشترک معنوی شرکت کنند (مثل دعای ندبه) و بصورت هفتگی جلسه ای آبرومند تشکیل شود و حتی برای جذاب‌تر شدن آن، قرار بود گاهی يك مداح کشوری هم دعوت شود تا با استقبال بیشتری مواجه گردد؛ اما به قول یکی از مطلعین، این طرح در عمل با شکست مواجه شده بود(!)؛ چرا؟! شاید به این علت که جنبه‌های اجتماعی قضیه بصورت واقع بینانه لحاظ نشده بود؛ درحالیکه اگر همین سرمایه‌گذاری را درباره مراسمی مثل دعای کمیل انجام می‌دادند، شاید موفق‌تر بود!

چراکه از یکطرف در ساعتی برگزار می‌شد که عموماً مردم بیدار بودند؛ از طرفی عمدتاً مردم در آن زمان کارهای روزمره خود را انجام داده و فارغ‌البال هستند؛ مسئله قابل‌توجه بعد هم تاریکی هوا و مناسبت بیشتر آن برای انجام امور معنوی است که خود به خود اقبال عمومی جامعه را بیشتر و راحت‌تر می‌کند؛ بویژه اینکه معمولاً بعد از چنین جلساتی نوشیدنی‌ها و گاهاً خوراکی‌های متنوعی هم توزیع می‌شود؛ که به نوبه خود جذابیت کار را بیشتر می‌کند.

لذا بدیهی است با در نظر گرفتن چنین عواملی، هم هزینه‌ها کمتر می‌شود و هم استقبال بیشتر و حتی ماندگاری فعالیتها می‌تواند راحت‌تر صورت بگیرد؛ درحالیکه در آن مراسم دعای ندبه، حتی خود بچه‌های مذهبی و متدین فعلی هم، نوعاً دچار نخوت و کم‌تحركی خواهند شد.

بنابر آنچه گذشت اگر بخواهیم طرحهای فرهنگی مان به جایی برسند، می‌بایست اصول را حفظ کرد؛ اما در برنامه‌ریزی‌ها و حتی مباحث نظری آن دنبال ادبیات روز، جذاب، کاربردی

و .... بود تا جامعه بتواند نسبت به آن اقبال نشان داده ، برنامه ها بیشتر بصورت مردمی پیش بروند.

نمونه دیگر در این مبحث نحوه تعریف معنا و مفهوم ولایت فقیه است ؛ که قول مشهور آن عبارتست از اینکه ولی فقیه نایب امام زمان (عج) است ؛ یا .... ولایت او ، همان ولایت رسول الله (ص) است.

وقتی فعال فرهنگی - سیاسی می‌خواهد این رکن انقلاب اسلامی را برای کسی تعریف کند ، بعلت تکراری بودن چنین تعریف‌هایی ، معمولاً توسط مخاطب پس زده می‌شود ؛ درحالی‌که تعریف این سری مفاهیم را می‌بایست متناسب با هر مخاطبی ، به گونه‌ای انجام داد.

مثلاً دوستان و نوجوه‌های شهید بزرگوار شاهرخ ضرغام (رض) از ایشان پرسیده بودند که این ولایت فقیه که می‌گویند یعنی چه؟! این بزرگوار هم در نهایت سادگی گفته بودند که ..... شما چرا از من حرف شنوی دارید؟! به این خاطر است که بنده بیشتر از شما می‌دانم ؛ یا تجربه بیشتری دارم و چون شما به من اعتماد دارید ، از من حرف شنوی دارید ؛ ولی فقیه نیز همینطور است!

مطلب دیگر اینکه یکی از راه‌های اثبات حقانیت اسلام عزیز در این زمان ، اثبات آن بر اساس علوم رایجی است که مردم به آنها ایمان و باور دارند ؛ چنین رویکردی باعث خواهد شد فعالیت‌های روشنگرانه فرهنگی ، سیاسی و .... با کمترین هزینه ممکن و بیشترین و راحت‌ترین بازخورد و پذیرش صورت پذیرند.

نقل می‌کنند یکی از اساتید مقطع دکترای اصفهان در رشته اقتصاد - مرحوم دلای اصفهانی (رض) - اصل ولایت فقیه را ، توسط فرمولهای ریاضی اثبات کرده بودند!! ؛ با این روش چقدر جذابیت چنین مباحثی بیشتر و پذیرش آن توسط مخاطبی که دانشگاه محور است بالا می‌رود؟!

نمونه دیگر در باب اثبات بعضی حقایق اسلام و انقلاب ، فرضیه نسبیست انیشتین است ؛ يك دوستي نقل مي کرد زمانی کتابچه‌ای درباره فرضیه نسبیست انیشتین بدستم رسید که براساس کنجکاوی ، بر آن شدم سرکی به آن بکشم و بینم چه می‌گوید؟! مقداری از مقدمات آن را خواندم و بتدریج چون احساس کردم مباحثش تخصصی و سنگین می‌شود ، از ادامه کار منصرف شدم ؛ اما در همان مقدمه به نکته ای رسیدم که قابل تامل است .

جناب انیشتین در این مقدمه می‌گفت ما در عالم ماده ، سمت راست مطلق نداریم ؛ همچنانکه بالای مطلق هم وجود ندارد ؛ چراکه هر جهت راستی را در نظر بگیریم ، خود آن جهت نسبت به جهت دیگر می‌شود جهت چپ و نیز هر طرفی را بالا بگیریم ، خود آن نسبت به بالای خود می‌شود پایین !

آنچه در ریاضیات خوانده ایم این است که باید همواره یک نقطه‌ای را بعنوان مرکز یا محور مختصات در نظر بگیریم و سپس بقیه نقاط را با آن مقایسه کنیم ؛ به تعبیر دیگر تا يك نقطه یا مرکز ثابت تعریف نکنیم ، نمی‌توانیم بدرستی موقعیت سنجی کنیم .

براساس اعتقادات ما نیز همواره نقطه ای را بعنوان مرکز ثقل یا مختصات معرفی کرده و بقیه مسائل را با آن مقایسه می‌کنیم ؛ تا بتوانیم حق و باطل بودن افراد و جریانات را بدرستی و سهولت تشخیص دهیم و بدون آن ، نمی‌توان جایگاه و نیز سمت و سوی دیگران را تشخیص

داد ؛ حال نام این نقطه مطلق چیست ؟! بله ؛ حقیقتی تغییر ناپذیر ، بنام خدای متعال ؛ و با همین استدلال می توان وجود و بلکه ضرورت وجود قرآن کریم ، ائمه اطهار (ع) و ولایت فقیه را ثابت کرد!!!

می بینیم یک واقعیت را با چند علم ، ادبیات و مثال متفاوت می توان ثابت کرده و تشریح نمود ؛ که البته این موضوع خودش قابل تعمیم است و در جای خود مفصلاً بدان خواهیم پرداخت.

\* نکته : با ورود نخبگان هر رشته به این سری مباحث ، می توان درچه های جدیدی از علوم مختلف به روی خود و دیگران گشود و بدین ترتیب می بینیم اگر معارف اسلامی و انقلابی خودمان را بروز کنیم ، همان بیان نورانی امام رضا (علیه السلام) خواهد شد که فرمودند : اگر زیبایی های علوم و معارف ما به مردم برسد ، همگی با اشتیاق به سمتمان می آیند!

اما بعضی از ماها چگونه عمل می کنیم ؟! همان علوم و معارفی را که از چند صد سال پیش به ما رسیده ، همان را تحویل جامعه فعلی می دهیم و انتظار هم داریم که جامعه بیان ، استدلال و دعوتهای ما را پذیرا باشد و اگر هم نپذیرفت ، گاهی آن را متهم می کنیم به بی ایمانی!

اینها البته چکیده و فشرده مباحث آینده است که در اینجا مطرح می کنیم ؛ جهت ایجاد طرح کلی بحث در ذهنمان و ان شاء الله در جلسات آینده بصورت مجزا ، مفصل تر به هر کدام خواهیم پرداخت .

یا مثلاً بحث دیگری مطرح است و آن اینکه تا الان شعارها و آرمانهای انقلاب اسلامی در چند کشور دیگر انقلاب ایجاد کرده است؟! در بسیاری از کشورهای دنیا بصورت بالقوه و در کشورهای منطقه (بویژه محور مقاومت) بصورت بالفعل ، تحول های مختلف سیاسی ، اعتقادی ، فرهنگی و .... حتی نظامی ایجاد کرده است ؛ اما یک سوال کلیدی :

\* چرا این معارف در آنجاها انقلاب ایجاد کرده ، اما در جامعه کنونی ایران ، برای بسیاری از مردم و بویژه بعضی از جوانان ایرانی پیش پا افتاده ، تکراری و یا کم ارزش می باشند؟!

این ماجرا یک تحلیلی دارد که اگر آن را ندانیم ، نخواهیم توانست آنطور که حق و ظرفیت اسلام و انقلاب است ، برایش کاری انجام دهیم!!

مقام معظم رهبری فرمودند : اگر بخواهید در جنگی پیروز باشید ، اولین و ضروری ترین کار ، شناخت صحیح میدان جنگ است تا بتوانیم آن را بدرستی تحلیل کنیم ؛ قوا و ضعف جبهه خودی ؛ قوا و ضعف جبهه دشمن و نیز امکانات بالقوه خود و ضعف های بالقوه دشمن را بیابیم ؛ ولی ماها بعنوان فعالان جبهه فرهنگی ، سیاسی و .... ، بعضاً با کمترین مقدار توجه به تحلیل صحیح این میدان جنگ ، مشغول و دلخوش به فعالیت هستیم و همین امر باعث خواهد شد ، حملات و رهاوردهای حداقلی داشته باشیم !

یکی از دلایل اینگونه کم توجهی به آرمان های اسلام و انقلاب ، تکراری شدن ادبیات حاکم بر گفتمان انقلاب اسلامی است ؛ چرا که بعد از گذشت چهل سال از عمر بابرکت نظام جمهوری اسلامی ، بعلت تلاشهای شبانه روزی مبارزان عرصه های فکری ، علمی و عملی جبهه انقلاب (و در رأس آنها ، روحانیت مبارز و شاگردان ممتاز همیشه در صحنه آنان) و انتقال این مفاهیم از طریق رسانه های موجود بصورت روزانه ، ماهانه و سالانه ، بتدریج گوش درونی یا وجودیمان نسبت به این حرفها ، ناشنوا یا کم شنوا شده و به همین علت ، حرفهایی که برای بسیاری از

جوانان و نوجوانان دنیا شوق‌انگیز و منقلب کننده است ، برای بعضی از ماها تکراری و بی‌مزه بوده و حتی گاهی اشتباه بنظر می‌رسد!!!

اصطلاحی در معارف اسلامی داریم به‌عنوان "حجاب علم" ؛ که در تعریف آن گفته اند مانند فردی که خانه باغی می‌خرد و در روزها و ماههای اول بسیار از داشتن آن لذت می‌برد ؛ اما همین فرد پس از گذشت چند ماه یا چند سال ، چندان لذتی از آن فضا نمی‌برد ؛ به چنین حالتی اصطلاحاً حجاب علم گفته می‌شود.

حال برای برطرف کردن این حجاب علم (نسبت به جمهوری اسلامی) ، دو کار عمده می‌توان انجام داد تا برطرف شود ؛ یکی اینکه فرصت و نعمت جمهوری اسلامی را از دست بدهیم ؛ پس از آن ، حکومت یا رژیم جدید سرکار بیاید و بتدریج آزادیها ، امنیتها و فرصتهای موجود را که در این نظام وجود داشته ، از دست بدهیم و پس از آن متوجه شویم که چه فرصتها و چه امکاناتی در اختیار داشته ایم؟! که عقلاً و منطقاً کار درستی نیست (اگرچه در صورت کوتاهی و قدرناشناسی ، بعید هم نباید دانست این نعمت را از دست بدهیم).

اما راهکار دوم اینست که ما همین اصول ، مبانی و فرعیات را در سطحی بالاتر ، بروز کرده و در جامعه مطرح نماییم ؛ یعنی با حفظ مبانی اصیل اسلام و انقلاب ، ادبیات جدید ، جذاب ، کاربردی و .... تولید نماییم ؛ در اینصورت بوضوح خواهیم دید چگونه همین جامعه جوان نیمچه فشل و به ظاهر اسلام‌گریز ، مشتاقانه در صف اول این جهاد کبیر و مقدس قرار خواهد گرفت ؛ بقول معروف :

درس تو ار بود زمزمه محبتی                      جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

\* مثال: پدري که هر روز پی‌دري و بصورت تکراری به فرزندش بگوید: .... برو درست را بخوان .....

اما جامعه فرهنگی - معرفتی ما چگونه کار می‌کند؟! بعضاً دیده می‌شود عمده مباحث و منابر در حال بیان یکسری مطالبی هستند که صحیح اند ؛ اما بسیاری از آنها یا تکرار مکررات و یا همسطح یکدیگرند ؛ و محصول چنین فرایندی ، ناگفته پیداست ؛ از دست دادن زمان و مخاطب ؛ و بدتر اینکه پس از نتیجه نگرفتن ، کسی که متهم می‌شود به اشکال ، نقص و گاه بی‌ایمانی ، مخاطب و بویژه جوانان هستند و از طرفی جامعه فعال فرهنگی متعهد به اسلام و انقلاب هم در ذهن مخاطب ، متهم می‌شود به تحجر ، استبداد و غیرمردمی بودن!!

روایت فرمود : فرزندانان را تربیت کنید ؛ قبل از آنکه دیگران آنها را تربیت کنند و نیز روایتی دیگر فرمودند : فرزندانان را برای زمانه ای جدید تربیت کنید ؛ چراکه آنها متعلق به زمان دیگری هستند ؛ آیا اهل منبر و تریبون ما به این نکات کلیدی ، توجه کافی دارند؟!

\*\*\* اما چکار باید کرد؟!

اصطلاحی بعضی از آقایان دارند که می‌گویند بهترین مطلب ، مطلبی است که هم عوام فهم باشد و هم خواص پسند ؛ یعنی حقایق عالم ، اسلام و انقلاب را باید چنان بیان کرد که هم مردم عادی بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و هم مورد تأیید علما و بزرگان دین باشد!!

یکی دیگر از اشکالات بعضی منابر یا تریبونهای ما ، این است که یا همه مردم آن را می‌فهمند ؛ اما بار علمی و معرفتی چندانی ندارند و یا از لحاظ محتوایی بسیار غنی هستند ؛ اما

قابل درک برای مخاطب عام نیستند و همین هم باعث می‌شود فرصتهای بی نظیری مثل ایام‌الله (که مردم با آمادگی روحی و ذهنی کامل می‌آیند برای دریافت مطالب و معارف جدید) بصورت حداقلی برگزار شده ، مخاطبان دست خالی و سرخورده برگردند ؛ درحالیکه اگر آن اصل بالا رعایت شده و مسائل بصورت عوام فهم و خواص پسند بیان شوند (که اتفاقاً سبک قرآن کریم هم هست) خواهیم دید ، با کمترین هزینه‌های مادی و معنوی ، بیشترین نتایج مادی و معنوی بدست خواهد آمد .

\*\*\*

اما این بخش را با اشاره ای به بیانیه گام دوم انقلاب که به مناسبت چلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی و توسط مقام معظم رهبری صادر شده ، متبرک نموده و به پایان می‌رسانیم .

بنا بر اطلاعات موثق ، رهبری معظم انقلاب جهت تدوین بیانیه گام دوم ، در چند ماه منتهی به صدور بیانیه ، دیدارها و برنامه‌های خود را کمتر و مطالعات و بررسی‌های خود را بیشتر کرده بودند ؛ بویژه حدود دوازده روز آخر را که بصورت انحصاری ، تمام وقت خود را صرف نگارش متن بیانیه کرده بوده اند ؛ تا جایی که نقل شده بجز نمازهای واجب ، هیچگونه فعالیتی نداشته اند(!).

بر این اساس می‌توان فهمید چقدر کلمات و عبارات این بیانیه ، حساب شده و دقیق هستند ؛ لذا بنا بر توصیه شارحین بیانیه و مفسرین انقلاب اسلامی ، همه مؤمنین به اسلام و انقلاب ، می‌بایست چند مسئله را برای خودشان مسائل اولویت‌دار بدانند :

1. فهم دقیق این بیانیه ؛
2. تبیین بیانیه و گفتمان سازی ؛
3. مطالبه گری مفاد آن از مسئولین ؛
4. عملیاتی کردن بیانیه ؛
5. پاسخ به این سوال که : جوانان را چگونه در این عرصه وارد کنیم؟!

مطلب جالبی که پس از صدور این بیانیه اتفاق افتاد این بوده که در کمتر از بیست و چهار ساعت ، بچه‌های جبهه مقاومت از نیجریه گرفته تا ... عراق و کشمیر ، شروع کرده اند به تحلیل و تفسیر آن ، به جهت یافتن راهکارهای مورد نیاز جهت حل مشکلات مختلف کشورشان ؛ در حالیکه در ایران اسلامی ما احتمالاً بخش زیادی از جوانان و نوجوانان ( و حتی بعضی از فعالان فرهنگی ما ) هنوز یکبار هم این بیانیه را بطور کامل مطالعه نکرده‌اند !!!

یکی از اساتید و شارحین محترم بیانیه می‌فرمود اگر ملت ایران ، نسبت به مطالبات رهبری کوتاهی کند ، چه بسا خدای متعال عَلم هدایت امت اسلام را از ایران گرفته و بدست یکی دیگر از ملت‌های جبهه مقاومت بدهد ؛ چراکه خدای متعال با کسی عقد اخوت نبسته است تا همیشه و در هر شرایطی این توفیق در انحصار ایران و ملت ایران باشد ؛ لذا جا دارد ماها بعنوان نیروهای جوان ، مؤمن و انقلابی همواره این تذکرات را مدنظر داشته و از خودمان حساب بکشیم ؛ ان شاء الله .

اما طرح شهید چمران (رضوان الله علیه) :

این طرح مبتنی بر اصول اسلام و انقلاب تدوین شده و هدف از آن ، تربیت و تعلیم نیروهای تراز انقلاب اسلامی است ؛ آنهم در کوتاهترین زمان و با کمترین هزینه ممکن.

فاز اول طرح مذکور ، در پنج سطح تعریف شده است که عبارتند از :

\* سطح یک : بازبینی در بعضی از اصول اسلام و انقلاب ؛ با هدف شناخت بیشتر و بهتر فرصتها و توانمندیهای بالقوه اسلام و انقلاب.

\* سطح دو : تعبیر و تعریف بعضی از آیات و روایات و نیز بعضی از عبارات بزرگان اسلام و انقلاب براساس علوم روز ؛ با هدف تشکیل جبهه‌های جدید علمی - فرهنگی در کشور .

\* سطح سه : تعریف اجمالی و بروز اصول چهارگانه هشت سال دفاع مقدس که به توفیق الهی ، باعث موفقیت ما در آن دوران محنت زا شدند : " عبادت ، ولایت ، امامت و شهادت "

\* سطح چهار : تشریح نسبتا مفصل اصول چهارگانه فوق (عواش).

\* سطح پنج : تکمیل مباحث گفته شده در سطوح قبلی .

\*\*\* چند نکته :

\* نکته اول : سطوح یک و دو مبتنی بر توصیه اول از توصیه‌های هفتگانه رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم می باشد (یعنی علم و پژوهش) ؛ و بواسطه این سطح ، می‌توان تا حدودی در جهت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری که سالها قبل توسط حضرتش بیان شد ، گامهایی برداشت (چه از لحاظ نظری و چه از لحاظ عملی) ؛ ان شاءالله.

\* نکته دوم : سطح سه ، چهار و پنج بر محور توصیه دوم مقام معظم رهبری در بیانیه تدوین شده (معنویت و اخلاق) و معتقدیم اگر این توصیه - آطور که نیاز امروز اسلام و انقلاب است - محقق شود ، سایر توصیه‌های رهبری معظم در بیانیه گام دوم نیز ، به فضل الهی با کمترین هزینه و بالاترین کیفیت انجام خواهند شد .

\* نکته سوم : هرکدام از این سطوح ، در چهار جلسه تنظیم شده‌اند ؛ که در مجموع ، فاز اول طرح شهید چمران (رض) در بیست و یک جلسه به پایان می‌رسد و انتظار می‌رود فارغ‌التحصیلان این طرح ، در کلیات و بخش مهمی از جزئیات اسلام و انقلاب ، به توانمندیهای قابل توجهی رسیده و خودشان بتوانند مبلغ و مدرّس این طرح شوند.

\* نکته چهارم : علت این نوع چینش ، تحلیلی کاربردی از هشت سال دفاع مقدس می باشد ؛ که با بیان آن ، بخش اول (دیباچه) را به پایان می‌بریم :

همانطور که می‌دانیم انقلاب اسلامی در بدو تولد ، با حمله‌های ناجوانمردانه‌ای مواجه شد که همه کشورهای قدرتمند دنیا در آن شریک بودند ؛ کشورهایی که هر کدام رهبری گوشه‌ای از

دنیا را در اختیار داشتند و بالاخص دو مورد از آنها ، یعنی شوروی سابق و آمریکا که رهبری بلوک شرق و بلوک غرب را در اختیار داشتند.

بنا بر روایات مشهور ، در این جنگ حداقل سی و هفت کشور دنیا در برابر انقلاب نویای ما ایستادند و برای اولین بار در قرون معاصر ، همه قدرتهای دنیا در یک جبهه و پشت به پشت هم ، در برابر یک نظام نوپا متحد شدند و درحقیقت ، يك جنگ جهانی بود ؛ با این تفاوت که معمولاً در جنگهای جهانی ، تعدادی از کشورها در يك طرف و تعدادی دیگر هم در طرف مقابل و رو در روی هم قرار می گیرند ؛ اما در جنگ تحمیل شده به ما ، یک کشور تنها بود در مقابل کل کشورها و قدرتهای دنیا (!).

در چنین فضایی در سه عرصه زمینی ، هوایی و دریایی به ایران حمله می شود ؛ تازه اینها ، فقط حملات نظامی بوده که صورت گرفته ؛ و حال آنکه همزمان از لحاظ اقتصادی ، سیاسی ، امنیتی ، فرهنگی و ... هم ما درگیر با عوامل داخلی و خارجی دشمن بودیم (!)

اما آن چیزی که تلخی این مصیبت ها را شیرین می کند ، نحوه مواجهه انقلاب اسلامی با این حملات چند لایه ، گسترده و عمیق بوده است ؛ رهبری الهی ، حکیم و شجاع ؛ مردمی مؤمن و صبور و مسئولینی مخلص و پای کار !!

آنچه در این بخش می خواهیم بدان اشاره کنیم ، نحوه پذیرش و پرورش نیرو بوده برای مقابله با چنین دشمنان عنود و متحدی که ذکرش گذشت.

نیروهای وفادار به نظام که بنا بر احساس مسئولیت خود ، در جبهه های حق علیه باطل حاضر شده بودند ، وقتی برای تقویت جبهه ها به نیروهای تازه نفس نیاز داشتند ، از میان نیروهای مردمی ، مخلص و داوطلب بسیجی ، تعداد لازم را به دوره های کوتاه مدت يك ماهه تا چهل و پنج روزه می فرستادند ؛ در این مدت ، کلیاتی از جبهه و جنگ را به آنان آموزش می دادند و آنها را روانه میدان جنگ می کردند و نوعاً به آنها گفته می شد اینها کلیات است و چون فرصت نداریم تا همه جزئیات نظامی گری را یادتان بدهیم ، مابقی مسائل را در آنجا و بتدریج یاد خواهید گرفت.

محصول چنین عملکردی ، سرعت عمل در پذیرش و تعلیم نیروهای تازه نفس و تعویض نیروهای عمل کننده بود ؛ آنها در کمترین زمان ممکن-

خود این سیستم بدست آمده ، از زوایای مختلفی قابل تامل و تحلیل است که فعلاً وارد آنها نمی شویم ؛ اما بیان یک نکته خالی از لطف نیست :

معمولاً حداقل مدت زمان آموزش یک نیروی نظامی در دنیا ، یک تا دو سال است ؛ اما چون وارد جنگی تحمیلی شده بودیم ، زمان کافی برای چنین کاری نداشتیم و لذا نیروها را با کمترین امکانات ، راه می انداختیم و سپس بیشترین نتیجه را در جبهه و جنگ بدست می آوردیم.

نکته جالبتر اینکه این فرایند برای خود رزمنده هم دارای کمترین هزینه و بیشترین بازدهی بود ؛ چرا که سریع آموزش می دید و پس از ورودش به میدان کارزار ، بسرعت استعدادهای مادی و معنوی خودش را کشف می کرد و راه های صدساله را چندساله ، چندماهه و گاه یک شبه طی می کرد و این اتفاق به تعبیری ، شکست زمان بود ؛ یعنی طی کردن مدارج دنیوی و اخروی مورد نیاز یک انسان (که در شرایط عادی سالها به طول می انجامد) در کمترین زمان و بالاترین کیفیت ممکن .



\* براساس آنچه گذشت با همفکری تعدادی از دوستان ، طرح شهید چمران (رضوان الله علیه) را طراحی کرده ایم تا دوستان علاقمند به فعالیت های علمی ، فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی ، هنری و ..... بتوانند در کمترین زمان ممکن {در بیست و یک جلسه يك ساعته} ، مبانی و اصول اسلام و انقلاب را دریافت نموده و به یاری خدای متعال توفیق جهاد در راه خدا را (که بر اساس روایات ، تنها نصیب دوستان خاص خدا می شود) پیدا کنند ؛ هم خود را کشف کنند و هم باعث کشف و شکوفایی دیگران شوند ؛ ان شاء الله.

والسلام علی

من ائبع الهدی

حوزه مقاومت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

بسیج نفت و گاز

گچساران

06/05/1399